برتر روزنامه‌ها

پوزش همراه با خداحافظی دولت از امریکا!

کیهان

حسین شریعتمداری در روزنامه کیهان نوشت: ساده‌لوح نباشید، فایل صوتی آقای ظریف برخلاف آنچه برخی از دولتمردان ادعا می‌کنند «محرمانه» نبوده و از ابتدا برای انتشار تهیه شده است. آقای ظریف در این فایل صوتی نقش اصلی را ندارد، او به نمایندگی از دولت، سخن می‌گوید و روی سخن نیز قبل از آنکه با مردم ایران باشد، با دولت امریکاست.

جان‌مایه سخنان آقای ظریف آن است که مواضع و عملکرد حاج قاسم سلیمانی (بخوانید، نماد مقاومت) مانع از آن بود که دولت روحانی سیاست خارجی نظام را آنگونه که امریکا و متحدانش می‌خواهند دنبال کند! آقای ظریف می‌گوید: «من دیپلماسی را بیشتر برای میدان هزینه کردم، تا میدان برای دیپلماسی هزینه شده باشد. هیچ زمانی نتوانستم به فرمانده میدان [نظامی] بگویم کاری را بکن، چون در دیپلماسی نیاز دارم. تقریباً هربار که من برای مذاکره رفتم، این سلیمانی بود که می‌گفت می‌خواهم تو این خاصیت یانکته را بگیری. من برای موفقیت میدان، مذاکره می‌کردم.» او در بخش دیگری از سخنانش می‌گوید: «وقتی میدان (بخوانید مقاومت در برابر زورگویی‌های امریکا) تصمیم‌گیر باشد، این می‌شود. وقتی که میدان بخواهد بر استراتژی کشور حاکم شود، این می‌شود که می‌توانند با ما بازی کنند!»

باید به مایک پمپئو، وزیر خارجه ترامپ حق داد که به شهادت رساندن سردار سلیمانی را یک اقدام ضروری و با هدف کمک به آرامش منطقه بداند! و بعد از انتشار فایل صوتی ظریف با کمال وقاحت بگوید: «ترور [شهادت] سلیمانی توسط دولت ما تأثیر گسترده‌ای بر ایران و خاورمیانه داشته است... اگر حرف مرا قبول ندارید از ظریف بپرسید!» شرم‌آور نیست؟! هست!

آقای ظریف فراموش کرده است که دهها میلیون نفر در ایران و چند برابر بیشتر در سراسر جهان اسلام و حتی از ملت‌های آزاده و غیرمسلمان در تشییع پیکر مطهر شهید سلیمانی شرکت کردند و در فراق او خون گریستند. این تشییع پر شکوه به اعتراف دوست و دشمن همانند تشییع پیکر مطهر امام راحل (ره) در تاریخ معاصر بی‌نظیر - و نه کم نظیر - بوده است. و این در حالی است که مردم، قاسم سلیمانی و بینش و منش او را می‌شناختند و با آگاهی کامل از مکتب او در تشییع پیکر مطهرش شرکت کرده بودند. از این روی با جرئت و بدون کمترین تردیدی می‌توان گفت بدگویی ظریف درباره سردار دل‌ها اولاً، اهانت آشکار به صدها میلیون مسلمان و آزاده جهان و دهها میلیون تن از مردم پاکباخته ایران است. ثانیاً، شهید سلیمانی برجسته‌ترین نماد مبارزه با تروریست‌هاست، بنابراین آقای ظریف در اظهارات سخیف خود علیه سردار سلیمانی، با تروریست‌های تکفیری و قاتل صدها هزار زن و مرد و کودک بی‌گناه فالوده خورده است و ثالثاً، با قاتلان آن شهید بزرگوار از جمله ترامپ، پمپئو، نتانیاهو، بن‌سلمان و... اعلام همبستگی کرده است!

یکی از مضحک‌ترین واکنش‌ها به فایل صوتی ظریف، موضع برخی از دولتمردان و رسانه‌های تحت امر آنهاست که به جای اعتراض به ظریف و ابراز شرمندگی و اعلام انزجار از اظهارات ضددینی و ملی او، هیاهو به راه انداخته و برای رَد گم کردن، زبان به اعتراض گشوده‌اند که چه کسی این فایل صوتی را که «محرمانه»! بوده است، لو داده و منتشر کرده است؟! ظاهراً این جماعت شعور مردم را دستکم گرفته و با شعور دم‌دستی خود به مقایسه نشسته‌اند! چراکه:

الف: این فایل در اختیار تهیه‌کنندگان آن، یعنی دولتمردان در مرکز مطالعات استراتژیک ریاست‌جمهوری و تحت مدیریت آقای آشنا بوده است و کسانی که در تهیه آن دست داشته‌اند نیز برخی از افراد بدسابقه‌اند که در کارنامه خود زندانی شدن به جرم همراهی با دشمنان اسلام و انقلاب و نظام را دارند. فایل صوتی در اختیار این قماش بوده است، آقایان چرا رَد گم می‌کنند و نعل وارونه می‌زنند؟!

ب: آقایان اگر متن این مصاحبه و فایل صوتی را تأیید نمی‌کنند چرا آن را تهیه کرده‌اند؟! و اگر مورد تأییدشان است چرا از انتشار آن مضطرب شده‌اند؟!

ج: دستپاچگی دفتر رئیس جمهور از انتشار این فایل صوتی به وضوح نشان می‌دهد که می‌دانند، دست به چه خیانتی زده‌اند. بر اساس شواهد موجود و آنچه مورد اشاره قرار گرفت، فایل صوتی یاد شده برخلاف ادعا و های و هوی آقایان، محرمانه نبوده و از سوی دولت و با خودسوزی ظریف و برای انتشار تهیه شده است. مخاطب آن نیز مردم ایران نیستند بلکه دولت آقای روحانی از این طریق برای دشمن پیام فرستاده و اعلام می‌کند که برای جلب نظر امریکا، همه توانی را که در چنته داشته است به کار گرفته و اگر در این راه به موفقیتی دست نیافته و نتوانسته است ایران اسلامی را به دام امریکا و متحدانش بکشاند، تقصیر دولت نبوده است بلکه نیروهای پا به رکاب و از جان گذشته اسلام و انقلاب نظیر سردار سلیمانی مانع اصلی بوده‌اند.

تقدم دیپلماسی بر میدان؛ فقط ترکمانچای!

وطن امروز

روزنامه وطن امروز نوشت: صحبت‌های اخیر وزیر امور خارجه کشورمان در گفت‌وگو با سعید لیلاز، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و توصیف‌هایی که وی از سیاست خارجی و تعارض و تقابل آن با نظامی‌گری داشت، مجدداً اثبات کرد در بر همان پاشنه بی‌سوادی می‌گردد و خبری از نگاه واقعی و فنی به حوزه سیاست خارجی نیست.

آقای ظریف بدون توجه به مفهوم واقعی سیاست خارجی و تعریف رایج آن در فضای روابط بین‌الملل، دوگانه‌ای را تحت عنوان «دیپلماسی/میدان» مطرح می‌کند که در آن، دیپلماسی و نظامی‌گری دو رویکرد کاملاً مجزا از یکدیگر در نظر گرفته می‌شوند که هر کدام می‌توانند به نفع دیگری کنار زده شوند یا کوتاه بیایند؛ در صورتی که اساساً جداسازی این دو مفهوم از یکدیگر امکانپذیر نیست و سیاست خارجی هر کشور، ترکیبی درهم‌آمیخته از دیپلماسی و نظامی‌گری است. در واقع هیچ دیپلماتی نمی‌تواند بدون پشتوانه نظامی وارد فعالیت مذاکراتی شود. این یک مفهوم بدیهی در علم روابط بین‌الملل است که وقتی یک واحد سیاسی، قدرتی برای اعمال نظرات و اهدافش ندارد، اساساً هیچ واحد سیاسی دیگری حاضر به پذیرش مذاکره با او نیست؛ یعنی نمی‌توان در میدان شکست خورد یا ضعیف ظاهر شد و بعد در دیپلماسی به پیروزی رسید. اساساً دیپلماسی به پشتوانه قدرت نظامی و میدانی شکل می‌گیرد. بر همین مبناست که اساتید این حوزه می‌گویند دیپلمات‌ها بیشتر از نظامی‌ها به جنگ علاقه دارند، چون «نظامی‌گری»، ابزار قدرت آنها در میز مذاکره است.

مراجعه به چند مصداق تاریخی می‌تواند به روشن شدن این بحث کمک کند. طبق مذاکراتی که میان طرفین جنگ اول جهانی انجام شد، قراردادی تحت عنوان «معاهده صلح» در کاخ ورسای فرانسه امضا شد که روزگار بازندگان جنگ - از جمله آلمان - را سیاه کرد. مفاد این توافق دیپلماتیک تا اندازه‌ای تحقیرآمیز بود که کارشناسان ریشه شکل‌گیری دولت نازی در آلمان را به آن مرتبط می‌دانند. همین ماجرا در جنگ دوم جهانی هم به نوعی دیگر تکرار شد؛ یعنی پس از شکست فرانسه از آلمان نازی، مذاکراتی برای تشکیل یک دولت به ریاست «مارشال پتن» بر بخش‌های اشغال‌نشده و مستعمرات فرانسه شکل گرفت که در نهایت منجر به تشکیل دولتی با نام «ویشی» شد. دستاورد این اقدام دیپلماتیک، به تاراج رفتن منابع و از بین رفتن زیرساخت‌های کشور فرانسه بود. جداسازی دیپلماسی از استراتژی - یا همان نظامی‌گری و به قول آقای ظریف، میدان - خروجی بهتری از ترکمانچای‌ها و ویشی‌ها و ورسای‌ها ندارد یعنی هم منافع ملی را به حراج می‌گذارد و هم منابع کشور را تخریب می‌کند. به همین دلیل است که باید نسبت به تبعات خطرناک این دیدگاه عجیب، غیرعلمی و نامناسب دکتر ظریف، هشدار جدی داد و مسئولان کشور را به تدبیر برای رفع این خطر از سر منافع ملی کشورمان ترغیب کرد.

در مجموع باید گفت ترسیم، توصیف و القای دوگانه توهمی «دیپلماسی/نظامی‌گری» از سوی دکتر ظریف، سیاه‌ترین نقطه کارنامه وزارت هشت ساله ایشان محسوب می‌شود که آسیبی جدی به اعتبار وزارت امور خارجه زد؛ آسیبی که این وزارتخانه تا سال‌ها از آن رنج خواهد برد.

گزارش یک

اندیشکده امریکایی:

چین بهتر از امریکا زبان ایران را می‌فهمد

«مؤسسه خاورمیانه» می‌نویسد: رویکرد چین در قبال ایران با رویکرد «فشارمحور» امریکا تفاوت دارد و احتمالاً جامع‌تر است و مسیر تازه‌ای پیش پای تهران می‌گذارد.

«برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های مشترک ایران و چین» که به اختصار «سند همکاری ایران و چین» هم نامیده می‌شود، در مقایسه با برجام، بیشتر به میراث دیپلماتیکی شباهت دارد که حسن روحانی باید امیدوار باشد از دولتش به جا بماند. اگرچه هنوز محتوای دقیق این توافق و نحوه دقیق اجرای آن واضح نیست، اما پیشاپیش و با توجه به سیاست‌های پکن درباره ایران در گذشته و به‌ویژه در دوران اوج تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، می‌توان گفت این توافق از توافق هسته‌ای با ۵+۱ عاقبت‌بخیرتر خواهد بود.

به‌رغم ابراز نگرانی سیاستمداران و کارشناسان غربی درباره روابط چین با ایران، اندیشکده امریکایی «مؤسسه خاورمیانه» اخیراً طی گزارشی تحت عنوان «توافق چین-ایران و بازاختراع انقلاب ایران» از دیدگاهی دیگر به موضوع سند همکاری ایران و چین نگاه کرده است. این اندیشکده (اگرچه لابه‌لای ادعاهایش درباره تأثیرگذاری سند مذکور روی ماهیت انقلابی جمهوری اسلامی ایران) اما اذعان می‌کند که برخلاف واشنگتن، پکن زبان صحبت کردن با ایران را بلد است و از طریق ارائه طرح‌های دارای منافع مشترک، به دنبال بازگرداندن ایران به نظام اقتصادی بین‌الملل و تبدیل این کشور به پلی مهم در ابَرپروژه اقتصادی خود موسوم به «کمربند و جاده» است.

آنچه در ادامه می‌خوانید، خلاصه‌ای از گزارش اندیشکده مؤسسه خاورمیانه است.

■ **هشداری به امریکا؟**

اعلام خبر امضای «شراکت جامع استراتژیک»، توافقنامه ۲۵ ساله اقتصادی و توسعه‌ای میان چین و ایران، بلافاصله بحث‌ها درباره رقابت ژئواستراتژیک امریکا و چین را تشدید کرد. با این حال، نگاهی دقیق‌تر به پیامدهای این توافق نشان می‌دهد اتفاقاً شاید برای دستیابی به برخی اهداف امریکا درباره ایران، به ویژه مدرن‌سازی رژیم این کشور، مفید باشد. بسیاری از سیاستمداران ایرانی بدون معطلی این سند همکاری را هشداری به امریکا توصیف کرده‌اند و تحلیلگران امریکایی نیز به همین ترتیب، این سند را ابزاری برای تقویت نفوذ چین در منطقه معرفی نموده‌اند. در همین حال، رسانه‌های خلیج [فارس] می‌گویند توافق چین و ایران، جدیدترین نشانه فاصله گرفتن امریکا از منطقه [خاورمیانه] است. اما درباره تأثیر احتمالی سند همکاری ایران و چین بر متغیرهای داخلی در ایران حرف زیادی زده نشده است.

این توافقنامه که «توافق ربع قرن» نام گرفته، ابداً پدیده جدیدی نیست؛ شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، اولین بار، سال ۲۰۱۶، در سفر به ایران پیشنهاد انعقاد این توافق را داد. از همان موقع تاکنون سند همکاری با چین در خود ایران هم دائماً با مخالفت برخی عناصر داخلی مواجه شده است. به طور خاص، بحث‌های زیادی درباره بخش‌های افشانشده این توافقنامه می‌شود. همین واقعیت که دولت ایران متن کامل توافقنامه را منتشر نکرده، همچنان موجب کنجکاوی در خارج از ایران و مقاومت در داخل این کشور است.

■ **شراکت با چین و اتصال به بازار جهانی**

نگاه به سند همکاری پکن و تهران از منظر گفتمان رقابت استراتژیک امریکا و چین، روی پیامد این سند بر تحریم‌های حداکثری واشنگتن علیه ایران در حوزه تجارت نفتی یا خرید تسلیحات تمرکز می‌کند و مسئله‌ای را نادیده می‌گیرد که چه‌بسا نکته اصلی در این سند همکاری باشد، اینکه چین دارد تلاش می‌کند ایران را وارد «خانواده» طرح کمربند و جاده کند و به این ترتیب این کشور را به سوی نوعی «عادی‌سازی» روابط با سایر کشورهای عضو خانواده کمربند و جاده در منطقه سوق دهد تا حمل‌ونقل کالا و تراکنش‌های مالی را تسهیل کند.

دور از انتظار نیست که شراکت جدید ایران با چین دوباره این کشور را به نظام تجارت جهانی متصل و ایران را (مانند خود چین) وادار به اتخاذ رویکردی بازارمحورتر کند و نهایتاً ممکن است روی گفتمان انقلابی کنونی تهران نیز تأثیر بگذارد. پذیرش مجدد اقتصادی ایران [در جامعه جهانی] از طریق مشارکت این کشور در کمربند و جاده احتمالاً یک انگیزه جدید اجتماعی و اقتصادی برای متمرکزسازی مجدد منافع اقتصادی روی رونق و توسعه، به جای تداوم آرمان‌های انقلابی ایجاد می‌کند.

■ **برآورده شدن خواسته‌های اقتصادی ایرانیان**

طبق این نگاه به سند همکاری چین و ایران، این توافق می‌تواند در مقطعی که فشار علیه ایران در حال افزایش است، به رگ حیات بالقوه رژیم این کشور تبدیل شود. در صورت تحقق این تغییر جهت [در سیاست‌های ایران] ممکن است اولویت‌های سیاستی تهران نیز به جای فشار خارجی، در نتیجه تصمیمات داخلی تغییر کند و به این ترتیب خواسته‌هایی برآورده شوند که بسیاری از ایرانی‌ها را طی سال‌های اخیر به خیابان‌ها آورده‌اند. ایران می‌تواند در چارچوب طرح پیشنهادی چین، راهی برای آغاز روند لیبرال‌سازی اقتصادی بدون چالش‌های متضمن در پذیرش همزمان اصلاحات موازی سیاسی پیدا کند؛ موضوعی که ایران مدت‌هاست در حال بررسی آن است.

بنابراین سند همکاری ایران و چین، فارغ از جنبه‌های امنیتی‌اش، چالشی برای امریکا محسوب می‌شود. چشم‌انداز ایجاد یک رابطه مستقیم تجاری میان ایران و چین، امریکا را وادار می‌کند تا یا تحریم‌ها علیه هم ایران و هم چین را تشدید کند یا راه دیگری را در پیش بگیرد و به جای تلاش برای افزایش فشار بر چین به منظور مجبور کردن پکن به تبعیت از تحریم‌ها علیه ایران، لغو سیاست «فشار حداکثری» علیه ایران را تسریع کند.

کاهش تحریم‌ها علیه ایران به امریکا امکان می‌دهد تا وارد تعامل مجدد با ایران درباره برنامه جامع اقدام مشترک شود، همچنین با فراهم آوردن امکان خرید نفت ایران و تجارت با تهران برای کشورهای اروپایی و سایر کشورها، مانع از تبدیل شدن چین به تنها شریک تجاری ایران می‌شود. این کار عملاً می‌تواند ورود مجدد ایران به نظام تجارت جهانی را تسریع کند. از نظر ژئواستراتژیک، امریکا ممکن است نهایتاً لیبرال‌سازی اقتصادی ایران را به عنوان یک منفعت مشترک با چین ببیند.

پیامدهای فوری چنین تغییر رویکردی [توسط امریکا] ممکن است کاملاً آشفته‌کننده باشند. ایران ممکن است همان کاری را انجام دهد که پس از دریافت ۷/۱ میلیارد دلار پول نقد بلوکه‌شده‌اش از دولت اوباما انجام داد؛ حمایت از نیروهای نیابتی‌اش در سراسر جهان، تأمین بودجه برای ایجاد گروه‌های نیابتی جدید در عراق و تقویت نیروهای نیابتی قدیمی‌اش در یمن.

با این حال، همچنان می‌توان استدلال کرد که اگر این چالش‌های کوتاه‌مدت حل‌وفصل شوند، تأثیرات بلندمدت تغییر جهت و پذیرش مجدد اقتصادی ایران می‌تواند به رژیم این کشور این فرصت را بدهد تا خود را به روشی مشابه «مدرن‌سازی سوسیالیستی» چین بازآفرینی و حیات جدیدی برای خود تأمین کند. این رویکرد ممکن است دور از ذهن به نظر برسد و در کوتاه‌مدت چالش‌برانگیز باشد، اما در درازمدت، مسلماً روش جدیدی برای حل‌وفصل مسئله ایران ارائه می‌دهد که با رویکرد فشار تراکنشی [چماق و هویج] امریکا تفاوت دارد و احتمالاً نزدیک‌تر به رویکردی است که امارات در زمان محمد خاتمی و اکبر رفسنجانی در قبال ایران در پیش گرفت.

معرفی طرح پنج ماده‌ای چین برای امنیت در خاورمیانه نشان می‌دهد رویکرد این کشور در قبال ایران ممکن است جامع‌تر و احتمالاً برای پذیرش اقتصادی ایران در منطقه ضروری باشد. رویکرد دیپلماتیک جدید چین درباره خاورمیانه شاید مبهم و کلی به نظر برسد، اما می‌تواند رویکرد جدیدی را برای حل‌وفصل چالش مزمن ایران ارائه دهد.

■ **منبع: مشرق**

دفاعی

سردار وحیدی: ایران حضور رژیم صهیونیستی در منطقه را تحمل نمی‌کند

رئیس دانشگاه عالی دفاع ملی با اشاره به تنش‌آفرینی‌های رژیم صهیونیستی در منطقه گفت: همه باید بدانند که به هیچ وجه جمهوری اسلامی حضور نظامی و حتی غیرنظامی رژیم صهیونیستی در منطقه را تحمل نمی‌کند.

به گزارش مهر، سردار احمد وحیدی رئیس دانشگاه عالی دفاع ملی روز گذشته در همایش «خلیج فارس خانه ماست» طی سخنانی اظهار داشت: پرداختن به مسئله خلیج فارس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

وی ادامه داد: خلیج فارس خانه ماست و به هیچ قیمتی حاضر نیستیم امنیت آن به خطر بیفتد، این منطقه خانه ماست و ظرفیت‌های بسیار گسترده‌ای دارد که می‌توان با همکاری این ظرفیت‌ها را استفاده کرد.

رئیس دانشگاه عالی دفاع ملی با اشاره به دخالت‌های بین‌المللی در منطقه خلیج فارس گفت: ایجاد سوءتفاهم و اختلاف میان کشورهای منطقه باعث شده است که شرایط برای همکاری‌ها به خوبی پیش نرود. ما باید با گسترش همکاری‌ها و تأمین امنیت جمعی از ظرفیت‌های منطقه استفاده کنیم و بسیاری تلاش می‌کنند این منطقه را تبدیل به زرادخانه سلاح کنند در صورتی که این همه سلاح در اینجا نیاز نیست و منطقه ما ظرفیت این همه سلاح را ندارد. این سیاست‌ها برای منطقه ما بسیار خطرناک است و منطقه را تبدیل به انبار باروت کرده است.

وی با اشاره به تلاش برخی کشورها برای حضور رژیم صهیونیستی در منطقه گفت: رژیم صهیونیستی در هر کجا که بوده موجب آشوب و ناآرامی شده است و ما در عمر او جز ناامنی و آشوب چیزی ندیدیم و ورود آنها به منطقه ما حتماً مضر است و امارات متحده عربی را برای ورود رژیم صهیونیستی به منطقه محکوم می‌کنیم.

سردار وحیدی تصریح کرد: همه باید بدانند که به هیچ وجه جمهوری اسلامی حضور نظامی و حتی غیرنظامی رژیم صهیونیستی در منطقه را تحمل نمی‌کند، زیرا حضور آنها تحریک‌آمیز است و منطقه را دچار مسائل حاشیه‌ای می‌کند. وی با اشاره به اقدامات جمهوری اسلامی در مقابله با تروریسم گفت: اگر نبود رشادت‌ها و از جان‌گذشتگی‌های سردار سپهبد سلیمانی که توسط رژیم تروریست امریکا به شهادت رسید، امروز شرایط منطقه بسیار متفاوت بود اما جمهوری اسلامی ایران با رهبری حاج قاسم سلیمانی توانست این توطئه را شکست دهد و همه باید بدانند جمهوری اسلامی با قدرت از امنیت منطقه دفاع می‌کند.

گزارش ۲

۱۰ سال انفصال از خدمت در انتظار وزیری که نتواند مجلس را قانع کند

به تازگی طرحی در مجلس در دستور کار قرار گرفته است که در صورت تصویب، هرکدام از وزرا که اکثریت نمایندگان حاضر در مجلس حداقل سه بار از پاسخش به سؤال یا سؤالات نمایندگان مجلس شورای اسلامی قانع نشوند، پس از اتمام دوران وزارت از نامزدی در موارد مشخص، به مدت ۱۰ سال محروم است.

به گزارش فارس، بر اساس اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی در هر مورد اینکه حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس‌جمهور یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول، درباره یکی از وظایف آنان سؤال کنند، رئیس‌جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رئیس‌جمهور بیش از یک ماه و در مورد وزیر بیش از ۱۰ روز به تأخیر بیفتد، مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی.

بر این اساس، هر نماینده می‌تواند در خصوص مسائل داخلی و خارجی کشور از وزیر مسئول درباره وظایف او سؤال کند.

طبق آیین‌نامه داخلی مجلس، سؤال نمایندگان باید کتبی و صریح باشد و در فرم مخصوص به دست نماینده مجلس تنظیم و به هیئت رئیسه تسلیم شود و پس از آن هیئت رئیسه موظف است سؤال را فوری به کمیسیون تخصصی ذیربط ارسال کند.

در همین رابطه کمیسیون مربوطه موظف است حداکثر در مدت ۱۰ روز پس از وصول سؤال، جلسه‌ای با حضور وزیر و سؤال‌کننده تشکیل دهد و با استماع نظر سؤال‌کننده و وزیر و بررسی‌های لازم، به موضوع رسیدگی کند. وزیر نیز موظف است در کمیسیون حاضر شود و به سؤالات پاسخ دهد.

حال چنانچه سؤال‌کننده توضیحات وزیر را قانع‌کننده ندانست، کمیسیون با تعیین قلمروی ملی و منطقه‌ای سؤال بلافاصله به ارجاع سؤال ملی به هیئت رئیسه برای اعلام وصول در نخستین جلسه علنی اقدام می‌کند.

درباره سؤال منطقه‌ای نیز کمیسیون موظف است حداکثر در مدت ۱۰ روز به ارائه راه‌حل و ارسال گزارش به هیئت رئیسه مجلس و رئیس‌جمهور (از جانب رئیس مجلس) اقدام کند.

همچنین به موجب اصل ۸۵ قانون اساسی، وزیر مورد سؤال مکلف است حداکثر در مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ سؤال در مجلس حضور یابد و به سؤال پاسخ دهد، مگر آنکه وزیر به صورت رسمی و با عذر موجه به تشخیص هیئت رئیسه مجلس تقاضای تأخیر حداکثر برای مدت ۱۰ روز داشته باشد.

روند سؤال از وزیر در صحن مجلس اینگونه است که در جلسه علنی ابتدا گزارش متقن طرح سؤال و بررسی‌های انجام شده به مدت حداکثر پنج دقیقه مطرح می‌شود، سپس وزیر و نماینده سؤال‌کننده هر کدام حداکثر ۱۵ دقیقه توضیحات خود را ارائه می‌کنند و در صورت قانع نشدن نماینده، رئیس جلسه قانع‌کننده نبودن پاسخ وزیر را به رأی خواهد گذاشت.

در صورتی که اکثر نمایندگان حاضر به قانع نبودن پاسخ وزیر رأی دهند، رئیس مجلس موظف است موضوع را به رئیس‌جمهور برای رسیدگی ارجاع کند.

حال به تازگی طرحی در مجلس شورای اسلامی در دستور کار قرار گرفته است که قانون فوق را اصلاح می‌کند و در صورت تصویب نهایی آن، هرکدام از وزرا که اکثریت نمایندگان حاضر در مجلس حداقل سه بار از پاسخش به سؤال یا سؤالات نمایندگان مجلس شورای اسلامی طبق فرایند ماده ۲۰۸ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی قانع نشوند، پس از اتمام دوران وزارت از نامزدی در موارد مشخص، به مدت ۱۰ سال محروم است.

بر این اساس هر کدام از وزرا که اکثریت نمایندگان حاضر در مجلس حداقل سه بار از پاسخش به سؤال یا سؤالات نمایندگان مجلس شورای اسلامی طبق فرایند ماده ۲۰۸ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی قانع نشوند، پس از اتمام دوران وزارت از نامزدی در کاندیدای ریاست جمهوری، کاندیدای نمایندگی مجلس شورای اسلامی، کاندیدای عضویت در شورای اسلامی شهر و روستا و تمام مناصب مدیریتی در مناصب دولتی محروم می‌شود.

گزیده خبر

تحقیق و تفحص از مرکز بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری

از قوه قضائیه می‌خواهیم به موضوع انتشار فایل صوتی ظریف ورود کند و با تعیین ضابط و دستور رسیدگی همه‌جانبه به این اتفاق مهم، برای صیانت از امنیت ملی اقدام لازم را به عمل آورد.

حسینعلی حاجی دلیگانی نماینده شاهین‌شهر، برخوار و میمه در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با فارس با اشاره به انتشار فایل صوتی مصاحبه محمدجواد ظریف از سوی تلویزیون اینترنشنال عربستان سعودی گفت: انتشار این فایل صوتی که قرار نبود منتشر شود آن هم از سوی یک رسانه ضد نظام نشان از عمق نفوذ در مراکز حساس دولت دارد.

وی افزود: آقای حسام‌الدین آشنا به عنوان رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری که مصاحبه با ظریف و دیگر وزرای دولت با مسئولیت ایشان انجام شده باید پاسخگوی درز این اطلاعات باشد و بداند که این حوادث تهدیدکننده امنیت ملی کشور است و وی باید پاسخ دهد که این تهدید از کجا نشئت می‌گیرد.

عضو هیئت رئیسه مجلس با اشاره به سابقه نفوذ در دفتر آشنا در گذشته عنوان کرد: اینگونه نفوذها در مجموعه مرکز بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهور در گذشته وجود داشته و الان هم وجود دارد که یک حفره امنیتی است و این اتفاقات به‌رغم آنکه برخی دولتی‌ها با تهیه و مصاحبه‌های این مرکز با مسئولان دولتی مخالف بودند اما دست‌های پنهان بر انجام این مصاحبه اصرار داشت. حاجی‌دلیگانی گفت: همان دست‌های پنهان که بر ضبط این مصاحبه‌ها اصرار داشتند با واسطه‌هایی که داشتند مصاحبه ضبط شده را به خارج از کشور رساندند. وی تأکید کرد: وقتی آقای آشنا مسئولیت تهیه و ضبط این برنامه را برعهده داشت باید پاسخگوی این اتفاق مهم باشد. آقای آشنا باید بدانند که بعد از ۱۱ مرداد و با پایان یافتن عمر دولت، پاسخگویی وی در این زمینه پایان نمی‌پذیرد و باید پاسخگوی این موضوع باشد.

حاجی‌دلیگانی گفت: از قوه قضائیه می‌خواهیم به این موضوع ورود کرده و با تعیین ضابط و دستور رسیدگی همه‌جانبه به این اتفاق مهم، برای صیانت از امنیت ملی اقدام لازم را به عمل آورد.

مصاحبه ظریف بخشی از برنامه‌ای به نام «آن سوی دولت» و با موضوع گزارش و روایت خدمات، اقدامات، چالش‌ها و دستاوردهای دولت‌های یازدهم و دوازدهم است که زیر نظر مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری انجام شده و علاوه بر ظریف مصاحبه‌هایی با وزیران و معاونان رئیس‌جمهور در چارچوب تاریخ شفاهی هشت ساله دولت‌های یازدهم و دوازدهم انجام گرفته است.

فایل صوتی مصاحبه ظریف اوایل هفته از رسانه‌های بیگانه سردرآورد.

سفیر سابق ایران در عراق:

عراق علاقه‌مند به ارتباط بین ایران و عربستان است

پیچیدگی‌های مسائل بین ایران و عربستان در حد و اندازه‌ای است که عراق نمی‌تواند نقش اساسی را ایفا کند، از این رو باید بین ایران و سعودی‌ها مذاکراتی صورت گیرد.

حسن دانایی‌فر، سفیر پیشین ایران در عراق در گفت‌وگو با خبرنگار مهر با اشاره به سفر وزیر امور خارجه به عراق گفت: عراق یکی از همسایه‌های بزرگ و مؤثری است که ما در زمینه‌های امنیتی، اقتصادی و سیاسی در تعامل هستیم. لازم است این موضوعات مستمراً پیگیری شود و این سفر در همین راستا انجام شد. با توجه به اهمیتی که جمهوری اسلامی ایران برای دستگاه دیپلماسی عراق دارد، حتماً در آینده شاهد سفرهایی در این سطح از جانب عراقی‌ها نیز خواهیم بود.

سفیر پیشین ایران در عراق به موضوع مطالبات ایران از عراق پرداخت و گفت: موضوع مطالبات ایران از عراق از موضوعات مهمی است که در دستور کار است. اگرچه بارها وعده همکاری اعلام شد اما فشار سنگین امریکایی‌ها مانع از تحقق این وعده شده است.

دانایی‌فر ضمن اشاره به دغدغه بغداد برای ایجاد تفاهم در بین همسایگان خود، اظهار داشت: ایجاد تفاهم بین همسایگان عراق همواره یکی از دغدغه‌های اصلی دولتمردان عراقی است. به همین جهت موضوع روابط بین ایران و عربستان همواره مورد توجه مقامات عراقی است و مقامات اسبق این کشور مانند «العبادی» و «عبدالمهدی» و اکنون نیز «الکاظمی» علاقه‌مند به برقراری رابطه بین ایران و عربستان هستند.

وی افزود: عراقی‌ها با این توجیه که روابط ایران و امریکا تأثیر مستقیم بر شرایط عراق خواهد داشت، علاقه‌مند به پیگیری روابط ایران و امریکا هستند.

سفیر پیشین ایران در عراق در تحلیل تأثیر نقش میانجی عراقی‌ها نیز گفت: اگرچه از رفتار عراقی‌ها استقبال می‌کنیم اما با توجه به شرایط فعلی بغداد، پیچیدگی‌های مسائل بین ایران، امریکا و عربستان در حد و اندازه‌ای است که عراق نمی‌تواند نقش اساسی را ایفا کند. لذا ضروری است که مستقیماً بین ایران و عربستان مذاکرات صورت پذیرد.

دانایی‌فر تأکید کرد: پیش‌تر وزیر خارجه نیز اعلام کرد از برقراری رابطه با عربستان استقبال می‌کنیم اما سعودی‌ها به بهانه فشارهای ترامپ و مقامات امریکایی از این موضوع و همچنین طرح هرمز فاصله گرفتند.

وی در عین حال گفت: بازار عراق یکی از مهم‌ترین مقاصد کالاهای ایرانی است و در بین همسایگان رتبه نخست صادرات کالاهای ایرانی را دارد. به رغم مشکلاتی که بیماری کرونا ایجاد کرد و مرزها چندین بار تعطیل شد، روند روابط تجاری را مثبت و قابل قبول ارزیابی می‌کنم.

سفیر پیشین ایران در عراق به سرمایه‌های بلوکه شده ایران در عراق اشاره کرد و گفت: در خصوص انتقال پول‌های ایران که از محل فروش گاز و برق در عراق بلوکه شده است، طرف عراقی معتقد است به واسطه فشارهای امریکا دچار محدودیت‌های سنگینی است که احتمالاً امید داریم با مراودات دیپلماتیک و سفرهای مقامات دو کشور برطرف شود.